

بررسی جایگاه احزاب در نظام سیاسی اسلام

نویسنده : پوهنیار عبدالمنان کرانی

پوهنځی حقوق، پوهنتون زاول، افغانستان

نشانی برقی: lajward1402@gmail.com

چکیده

تعدد احزاب، یا کثرت‌گرایی حزبی که زاده‌ی تفکر نظام سیاسی غرب و یکی از پدیده‌های چالش‌زا در جوامع اسلامی و از مباحث داغ در میان دانشمندان مسلمان است، بحث پیرامون جواز و عدم جواز آن از دیدگاه شریعت اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این مقاله اهمیت موضوع، مفهوم حزب، کاربرد این واژه در قرآن کریم، حکم ایجاد و تشکیل احزاب سیاسی در قلمرو حاکمیت دولت اسلامی در روشنی قرآن کریم و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم)، اقوال علمای اسلام و وضعیت فعلی امت اسلامی به بحث و بررسی گرفته شده که هدف آن توضیح و بیان حکم تعدد احزاب سیاسی در قلمرو دولت اسلامی از دیدگاه اسلام است. شیوه جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای بوده و نحوه‌ی پردازش اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی است. در نتیجه پس از بررسی دلایل طرفین (مخالفین تعدد احزاب و موافقین آن) این نوشتار نشان می‌دهد که ایجاد و تشکیل احزاب سیاسی موازی با دولت اسلامی مشروع، از بزرگترین علل و اسباب تفرقه و اختلاف در میان مسلمانان بوده، شرعاً جواز ندارد.

اصطلاحات کلیدی: احزاب، اسلام، جایگاه، دولت اسلامی، نظام سیاسی.

Examining the Position of Political Parties in the Islamic Political System

Author: Teaching Assistant Abdul Mannan Kurani
Faculty of Law, Zawul University, Kabul Afghanistan
Email: lajward1402@gmail.com

Abstract

The multiplicity of political parties, or political pluralism, which emerged from the political thought of Western systems and is considered one of the challenging phenomena in Islamic societies, has become a widely debated issue among Muslim scholars. Therefore, discussing its permissibility or impermissibility from the perspective of Islamic Sharia is of great importance. This article examines the significance of the subject, the concept of political parties, the usage of the term in the Holy Qur'an, and the ruling on the establishment and formation of political parties within the jurisdiction of an Islamic state in light of the Holy Qur'an, the Hadiths of Prophet Muhammad (peace and blessings be upon him), the opinions of Islamic scholars, and the current condition of the Muslim Ummah. The main objective is to clarify and explain the Islamic ruling regarding the existence of multiple political parties within an Islamic state. The data for this study were collected through library-based research, and the information was analyzed using a descriptive-analytical approach. After examining the arguments of both sides—the opponents and proponents of political pluralism—the study concludes that the establishment and formation of political parties parallel to a legitimate Islamic government constitute one of the major causes of division and discord among Muslims and, therefore, are not permissible according to Islamic law.

Keywords: Political Parties, Islam, Status, Islamic State, Political System.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد و على آله و أصحابه أجمعين.

تعدد احزاب یکی از پایه های مهم نظام دموکراسی در جهان امروز به حساب می آید. این پدیده ی نوظهور که در صدر اسلام و قرون مفضله (عصر خلفای راشدین) وجود نداشته است، زاده ی تفکر اروپایی می باشد که در دوره ی پسا قرون وسطی و رنسانس، به منظور رهایی از قید و بند نظام های دیکتاتوری و سلطه مطلق کلیسا پدیدار شده است.

پدیده ی تحزب و تشکل های سیاسی به مرور زمان به جامعه ی اسلامی سرایت کرده و در بسیاری از کشورهای اسلامی جنبه های عملی و رویکردهای مختلف به خود گرفته و امروزه یکی از مسایل داغ و بحث بر انگیز در میان دانشمندان علوم شرعی معاصر محسوب می شود. بی تردید، پرداختن به ماهیت شرعی تعدد احزاب در قلمرو دولت اسلامی مشروع و تبیین جواز و عدم جواز آن از بعد شرعی دارای اهمیت زیادی می باشد. اهداف کلی این تحقیق، تبیین حکم شرعی تعدد احزاب سیاسی در جامعه ی اسلامی دارای حکومت اسلامی مشروع، برچیدن عوامل و اسباب اختلاف و تفرقه از جامعه، برگرداندن قدرت، عظمت، عزت و کرامت از دست رفته مسلمانان با حفظ وحدت و هبستگی ایشان زیر پرچم واحد، رهایی از وابستگی سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی به دشمنان اسلام با ایجاد ساختار سیاسی واحد و مقتدر که بتواند از حیثیت و حقوق ایشان دفاع کند. سؤال اینجاست که حکم شرعی تعدد احزاب سیاسی در قلمرو دولت اسلامی که مسئولیت حراست از دین و تدبیر امور دنیای مسلمانان را بر عهده دارد، چیست؟ آیا تکثر و تعدد احزاب در صدر اسلام، سابقه دارد؟ و تعدد احزاب چه تاثیری بر وحدت، قدرت و استقلال مسلمانان میگذارد؟ برای ارائه پاسخ درست به این سؤالات، که ذهن بسیاری از مسلمانان را مشغول کرده و به یکی از مباحث داغ و جنجال برانگیز میان دانشمندان مسلمان معاصر تبدیل شده است، کتاب ها و مقالات زیادی توسط محققین مسلمان عرب - با رویکردهای موافق نظریه تعدد احزاب و مخالف آن - نوشته شده است، مانند: الاحزاب السياسية فی الإسلام، مبارکپوری، حکم الانتماء الى الفرق و الاحزاب و الجماعات الاسلاميه، دکتور بکر عبدالله ابو زید، فرق معاصرة تنتسب إلى الإسلام و بیان

موقف الإسلام منها، عواجی، غالب بن علی، تعدد الاحزاب السياسية فی الدولة الاسلامية المعاصرة، هشام بن عبدالکریم البدرانی، نظرة فقهیه فی التعددیه السیاسیه، صباح، نوری جمعان و غیره. اما تا جایی که محقق پیرامون این مسئله تحقیق کرده است، چیز قابل توجهی به زبان فارسی پیرامون این موضوع که مستدل و مستند به نصوص قرآن کریم، احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم) و اقوال ائمه دین باشد، نیافته است. لذا - با درک اهمیت موضوع در عصر حاضر و گسترش تعدد احزاب و گروه گرائی در جوامع اسلامی - لازم دیده شده است تا این موضوع در روشنی قرآن کریم و احادیث گهربار پیامبر (صلی الله علیه و سلم) اقوال علمای اسلام، مورد بحث و تحقیق قرار گیرد تا ماهیت موضوع و حکم شرعی آن برای خواننده گان فارسی زبان واضح گردد. در این مقاله ابتدا مفهوم واژه حزب از حیث لغت و اصطلاح، کاربرد این کلمه در قرآن کریم و همچنان حکم تعدد احزاب در قلمرو دولت اسلامی از نظر شرع مقدس با استناد به آیات مبارکه و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و سلم) و اقوال علمای اسلام با رویکرد تحلیلی و توصیفی، به روش کتابخانه ای به بررسی گرفته شده است. از آنجا که دانشمندان معاصر علوم اسلامی در رابطه با مسأله جواز و عدم جواز تعدد احزاب اختلاف نظر دارند، دلایل هر دو طرف ذکر، بررسی و از میان آن قول راجح بر اساس قوت دلیل انتخاب شده است.

نویسنده امیدوار است، این تحقیق مختصر مشعلی باشد برای کسانی که غم و اندوه امت پراکنده و از هم پاشیده را در سر می پروراند و در سدد نجات آن از این وضعیت بغرنج و اسفبار هستند. همچنان محرکی باشد برای متخصصان علوم شرعی تا در این زمینه تحقیقات بیشتری انجام دهند.

۲. مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به اصل موضوع، لازم است برخی از مفاهیم و اصطلاحات مطرح شده در این مقاله جهت روشن تر شدن بحث، مورد بررسی قرار گیرند.

۲.۱. تعریف حزب

۱- حزب که جمع آن احزاب است واژه عربی بوده، در لغت به معانی متعددی اطلاق شده است که از آن جمله: سهم، طائفه، گروهی از مردم و به گروهی گفته میشود که عقاید، رفتار، کردار، اعمال و آرمان های شان یکسان باشد، هرچند فاصله زمانی و مکانی بین شان وجود داشته باشد، چنانچه در دو آیه مبارکه ذیل اشاره شده است:

آیه ۱: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ، مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ»^۱ «ای قوم من! می ترسم همان بلایی به شما برسد که در گذشته به احزاب (گروه ها و دسته ها) رسیده است. همچون سرنوشت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان آمدند، و خداوند نمی خواهد بر بندگان ستمی کند». [سورة الغافر: ۳۰-۳۱] و آیه ۲: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا»^۲ و هنگامیکه مؤمنان احزاب (لشکرهای کافران) را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و خدا و پیغمبرش راست فرموده اند، و این به آنان جز ایمان و تسلیم نیافزود» (سورة الاحزاب: ۲۲).

مراد از احزاب در آیت نخست؛ قوم نوح، عاد و ثمود می باشد که در میان شان فاصله زمانی زیادی وجود دارد و در آیت دیگر؛ ارتش کفار (قریش، غطفان و بنو قریظه) است که بر علیه مسلمانان در غزوه خندق جمع شده بودند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق ج ۱، ص ۳۰۸ و فیروز آبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۳ و قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۸۴).

۲- در اصطلاح: حزب سیاسی عبارت از سازمانی است، که توده ای از افراد همفکر روی اهداف سیاسی و ایدئولوژی مشخص جمع شده و برای رسیدن به قدرت سیاسی و تحقق برنامه های خود، مبارزه میکنند. (مبارکپوری، ۱۴۳۳ق، ص ۱۵)، کافی و بوشیان، ۵۱، ب، ت).

۲.۲. مفهوم دولت اسلامی

منظور از دولت اسلامی در نظام سیاسی اسلام همان تشکیلات اداری منظم و منسجم در سرزمین اسلامی، با سیادت داخلی و خارجی به صورت مستقلانه است که در راس آن امام، خلیفه و یا امیر المؤمنین با مسئولیت های حراست از دین، تامین امنیت و اداره ی امور در چارچوب اصول و قواعد شرعی مستنبط و گرفته شده از کتاب و سنت و اجماع امت می باشد، قرار دارد. (کرمی، ۱۴۲۷ق، ص ۹۰)، (مناهج جامعة المدینة، ج ۱، ص ۵۶۵).

^۱ - قابل یادآوری است که در ترجمه آیات از ترجمه معانی قرآن کریم توسط محترم محمدگل گمشادزهی، بیشتر استفاده شده است.

۲.۳. واژه‌ی حزب در قرآن کریم

واژه‌ی حزب و احزاب به شکل‌های مختلف و مدلولات متفاوت، هژده بار در قرآن کریم بکار برده شده است. ده بار به صیغه‌ی جمع و هفت بار به صیغه‌ی مفرد و یک بار به صیغه‌ی تشبیه^۲ (ابیاری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۷، ص ۱۱۱).

الف: آیاتی که کلمه‌ی احزاب در آن به صیغه‌ی جمع وارد شده است:

الله متعال می‌فرماید: {وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَلَنَارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ} "و هرکس از گروه‌ها به آن کفر بورزد میعادگاه او آتش است. پس درباره آن به خود شک و تردیدی راه مده، بی گمان آن (قرآن) حق است و از سوی پروردگارت آمده است و لی بیش تر مردم ایمان نمی‌آورند". [سورة الهود: ۱۷].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ يُرِيدُونَ بِمَا كُتِبَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ يُفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ} "و کسانی که به ایشان کتاب داده ایم از آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده است شاد می‌شوند، و از میان دسته‌های (کافران) کسانی هستند که بخشی از آن را انکار می‌کنند" [سورة الرعد: ۳۶].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ} "آنگاه احزاب (گروه‌ها) در میان خود اختلاف ورزیدند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از مشاهده روز بزرگ" [سورة مريم: ۳۷].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ أَلِيمٍ} "آنگاه احزاب (گروه‌ها) بین خود اختلاف ورزیدند، پس وای به حال ستمکاران از عذاب روز دردناک!" [سورة الزخرف: ۶۵].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا} "گمان می‌برند لشکرها (ی کافران) نرفته‌اند و اگر لشکرهای کافران بار دیگر برگردند ایشان دوست دارند در میان اعراب باده نشین باشند، و از اخبار شما پرسش می‌کنند، و اگر در میان شما بودند جز مقدار کم و ناچیزی پیکار نمی‌کردند" [سورة الاحزاب: ۲۰].

^۲ - تشبیه در زبان عربی به صیغه‌ای گفته می‌شود که دلالت به دو فرد یا دو شی داشته باشد.

و همچنان الله متعال می فرماید: [وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا] "و هنگامیکه مؤمنان لشکرهاي (کافران) را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و خدا و پیغمبرش راست فرموده اند، و این به آنان جز ایمان و تسلیم نیافزود" [سورة الاحزاب: ۲۲]

و همچنان الله متعال می فرماید: [جُنِدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ] "اینانکه اینجا هستند سپاه ناچیز شکست خورده‌ای از دسته‌ها و گروه‌هایند". [سورة ص: ۱۱]

و همچنان الله متعال می فرماید: [وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ] "و (قوم) تمود و قوم لوط و اصحاب الایکه، اینان همان گروه‌های (ستم پیشه‌ی گذشته) هستند" [سورة ص: ۱۳]

و همچنان الله متعال می فرماید: [وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ] "و آن کسی که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من! من بر شما از (رخ دادن) روزی همانند روز (عذاب) گروه‌های (پیشین) بیم دارم" [سورة غافر: ۳۰].

در آیات فوق همانگونه که تذکر داده شد هفت بار کلمه‌ی احزاب به صورت جمع وارد شده است. چنانچه ملاحظه می‌گردد کلمه‌ی احزاب در این آیات به صورت مطلق در مورد ذم و نکوهش به کار برده

شده است که ناپسند بودن پدیده‌ی تحزب و تفرق و گروه‌گرایی را نشان می‌دهد. (جمعان، نظرة فقهیه فی التعددیه السیاسیه، العدد: ۴۶ ج ۳، ص ۲۲۶).

ب: آیاتی که کلمه حزب در آن به صورت مفرد وارد شده:

الله متعال می فرماید: [وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ] "و هرکس خدا و پیامبرش و مؤمنان را به دوستی بگیرد، بی‌گمان حزب (گروه) خدا پیروز است" [سورة المائدة: ۵۶]

و همچنان الله متعال می فرماید: [فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ] " (اما مردمان) کار و بار خود را به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به آنچه نزد آنها است شادمان هستند" [سورة المؤمنون: ۵۳]

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {مَنْ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعْبًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ} "از کسانی که دینشان را بخش بخش کرده و به دسته‌ها و گروه‌های گوناگونی تقسیم شدند، هرگروهی به آنچه که نزد خود دارند خرسندند" [سورة الروم: ۳۲]

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ} "شیطان بر آنان چیره گشته، آن گاه یاد خدا را از خاطرشان برده است، اینان حزب شیطان هستند. هان! قطعاً حزب شیطان زیانکارند" [سورة المجادلة: ۱۹].

و همچنان الله متعال می‌فرماید: {لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} "گروهی را که به خداوند و روز قیامت ایمان می‌آورند نخواهی یافت با کسی که با خدا و پیغمبرش مخالفت ورزیده است دوستی کند؛ هرچند پدرانشان یا فرزندانسان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. اینانند که (خداوند) در دل هایشان ایمان را نگاشته است و آنان را به فیضی از سوی خود توان داده است؛ و آنان را به باغ‌هایی درمی‌آورد که از زیر (کاخ‌ها و درختان) آن‌ها رودبارها روان ست و جاودانه در آنجا می‌مانند. خداوند از آنان خوشنود است و آنان (نیز) از او خشنودند. اینان حزب خدا هستند. هان بدانید که حزب خدا رستگار است" [سورة المجا دله: ۲۲] در این آیات مبارکه واژه حزب به صورت مفرد هفت بار تذکر یافته است که حزب الله به معنای مدح و حزب الشیطان به مفهوم ذم مطرح شده است.

ب: اما کلمه حزب به صیغه تشبیه تنها در آیت آتی وارد شده است، چنانچه الله متعال می‌فرماید: {ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا} "سپس ایشان را برانگیختیم تا بدانیم کدام یک از دو گروه مدت زمانی را که درنگ کرده اند بهتر به خاطر دارد". که صحبت در اینجا از اصحاب کهف می‌باشد.

۳. حکم تعدد احزاب سیاسی در قلمرو دولت اسلامی

در جامعه‌ی اسلامی مسئولیت حراست و تدبیر امور دینی و دنیوی مردم یکی از مکلفیت‌های مهم دولت اسلامی است. تعیین و نصب خلیفه، امیر و یا حاکم مسلمان که بتواند این مکلفیت‌ها را به نحو احسن ادا نماید و به امور دینی و دنیوی مسلمانان به صورت درست رسیدگی، عدالت را تامین، وحدت و همبستگی مسلمانان را حفظ و از تمامیت ارضی حفاظت نماید، واجب است. البته در

رابطه به تعدد احزاب سیاسی در قلمرو دولت اسلامی دانشمندان معاصر به دو گروه تقسیم شده اند که دلایل هر دو گروه را ذیل^۱ به بررسی می گیریم.

الف: موافقان تعدد احزاب

موافقان جواز تعدد احزاب سیاسی بر این باورند که تشکیل احزاب، ابزار مشروع برای تحقق وظایف شرعی و مصالح عمومی جامعه است. مهم ترین دلایل آنان عبارت اند از:

۱- تحقق امر به معروف و نهی از منکر: از آنجا که نظارت بر عملکرد حاکمان، نصیحت آنان و جلوگیری از ظلم و انحراف از واجبات شرعی است، انجام مؤثر این وظیفه در شرایط کنونی بدون وجود تشکلهای احزاب سازمان یافته دشوار خواهد بود (لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ، كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ) و عن عبد الله بن عمرو (رضي الله عنهما) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) (إِذَا رَأَيْتُمْ أُمَّتِي تَهَابُ الظَّالِمَ أَنْ يَقُولَ: إِنَّكَ أَنْتَ الظَّالِمُ فَقَدْ تَوَدَّعَ مِنْهُمْ). "هرگاه دیدید که امت من از گفتن "تو ستمگری" به ستمگر بترسد، بدانید که دیگر باید از آنان ناامید شد". (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۱ ص ۷۲، ش، ح: ۶۵۲۱، و عن أبي بكر الصديق رضي الله عنه قال: قال الرسول صلى الله عليه وسلم (إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ، أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابِهِ) "اگر مردم ستمگر را ببینند و مانع ظلم او نشوند، بیم آن می رود که خداوند همه آنان را به کیفر خویش گرفتار کند". (سجستانی، سلیمان (بی تا)، ج ۴، ص ۱۲۲، ش، ح: ۴۳۳۸). بر این اساس، ادای درست این وجیه دینی مستلزم وجود احزاب سیاسی مقتدر و سازمان یافته است، احزابی که بتوانند با اعمال فشار مؤثر بر قدرت حاکمه، آن را به پاسخ گویی و رعایت مسئولیت هایش وادار کنند. در مقابل، اقدام های فردی، هرچند ارزشمند، معمولاً از تأثیرگذاری و کارآمدی کمتری برخوردار است. (کلیبی، یوسف، ۲۰۱۱م). حکم اقامة الأحزاب فی الاسلام، ص: ۱۳۹).

۲- ضرورت نظارت بر قدرت: احزاب سیاسی وسیله ای برای کنترل قدرت، جلوگیری از استبداد و اصلاح عملکرد حکومت به شمار می روند. بر اساس قاعده فقهی «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب»، اگر انجام یک واجب جز از طریق تشکیل احزاب ممکن نباشد، ایجاد آنها نیز مشروع، بلکه در مواردی لازم خواهد بود.

۳- قیاس با تعدد مذاهب فقهی: همان گونه که اختلاف مذاهب فقهی ناشی از تفاوت در اجتهاد و برداشت از ادله شرعی است و در چارچوب اسلام پذیرفته شده، اختلاف احزاب اسلامی نیز

می‌تواند ناشی از تفاوت در اجتهادهای سیاسی و روش‌های اداره جامعه باشد، مشروط بر آنکه همگی به اصول و ارزش‌های اسلامی پایبند باشند.

۴- مشروط بودن مشروعیت احزاب: مشروعیت تعدد احزاب منوط به آن است که فعالیت آنها در چارچوب شریعت، با هدف اصلاح، خیرخواهی، نظارت بر حکومت و حفظ مصالح امت باشد و از تعصب حزبی، تفرقه و وابستگی به بیگانگان پرهیز کنند. (امین، شفیق الله، ۱۳۹۰ هـ، سال ۱، ش ۱)، جمعان، صباح (بی‌تا) نظرة فقهية في التعددية الحزبية، مجلة الجامعة العراقية، عدد ۴۶ ج ۳)، لاوی احمد، التعددية الحزبية في الدولة الاسلامية، ص ۱۱۶۹ (رساله ماجستر فی الحقوق ۲۰۱۵ م)، (جعبه، عبدالحمید (بی‌تا)، الاحزاب فی الاسلام، ص: ۹۶) و تعدد قابل پذیرش تعدد تنوع و تخصص است نه تعدد تنازع و تضاد (صاوی، صلاح، مدى شرعية الانتماء الى الاحزاب و الجماعات الاسلامية ص: ۱۷۱).

ب: مخالفان تعدد احزاب

این گروه ایجاد احزاب سیاسی موازی با دولت و یا در تقابل با دولت سلامی را نه تنها باعث وحدت و هم‌آهنگی در میان مسلمانان نمی‌دانند، بلکه آن را باعث تفرقه، اختلاف، تضعیف مسلمانان تلقی نموده، به این باور اند که اسلام هیچگاه تعدد احزاب سیاسی را - به هر هدف و مقصدی که باشد - در قلمرو دولت اسلامی که شریعت را تطبیق و برای اعلای کلمه الله کار میکند اجازه نمیدهد (حلیمه، عبدالمنعم مصطفی (بی‌تا)، ص: ۶۵). ایشان برای اثبات نظریه خویش به دلایل ذیل استناد نموده اند:

۳.۱. امر به وحدت و نهی از تفرقه در نصوص قرآن و سنت

نصوص زیادی در قرآن کریم و احادیث نبوی آمده است که به وحدت، همبستگی، همدلی و یکپارچگی میان مسلمانان امر و دستور می‌دهد. و همچنان آن را یک وجیه ی دینی و شرعی قلمداد می‌کند. خداوند می‌فرماید: [وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ] "و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دل‌هایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا برادر گشتید، و بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خداوند

شما را از آن نجات داد، اینگونه خداوند آیات خود را برایتان بیان می کند تا هدایت شوید" [سورة آلِ عِمْران: ۱۰۳]

خداوند (جل جلاله) در این آیت مسلمانان را به اتحاد و اتفاق امر و از اختلاف منع نموده، وحدت و هبستگی را یکی از نعمت های بزرگ الهی تلقی می کند. همچنان در دو آیت آتی امت اسلامی را امت واحد و جدا ناپذیر معرفی می نماید و همچنان رابطه میان آنان را رابطه ایمان و عقیده و باورهای دینی قرار میدهد، نه رنگ، نژاد، زبان، قوم، قبیله، سمت و سو و حزب و گروه، چنانچه خداوند (جل جلاله) می فرماید: {إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ} "همانا این است امت شما که امت یگانه ای است، و من پروردگار شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید" [سورة الانبیاء: ۹۲].

و نیز می فرماید: {وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ} "و همانا این است امت شما که امتی یگانه است، و من پروردگار شما هستم، پس تنها از من بهراسید" [سورة المؤمنون: ۵۱].

و نیز در آیت مبارکه دیگری مسلمانان را برادران یکدیگر خوانده اگر نزاعی در میان دو نفر یا دو گروه مسلمان به وجود بیاید گروه سوم شرعا مکلف است تا در میان ایشان آشتی بیاورد؛ و اگر یکی از دو گروه متخاصم از صلح سرباز زد و به جماعت مسلمانان نیوست و خواستار ادامه ی قتال و ایجاد تفرقه و شگاف در صفوف مسلمانان بود، گروه مصلح مکلف است با جماعه مسلمانان یکجا شده در مقابل بغاوت گران بجنگند تا از بغاوت و تفرقه افگنی دست کشیده به صف مومنان بپیوندند. چنانچه خداوند (جل جلاله) می فرماید: {وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَفَقْتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ، إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} [و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ پرداختند، میان آنان آشتی برقرار کنید؛ پس اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم کرد، با آن گروهی که ستم می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و چون بازگشت، میانشان به عدالت صلح برقرار کنید و دادگری نمایید، که همانا خداوند دادگران را دوست دارد، یقینا مومنان برادر یکدیگر اند، پس در میان دو برادر تان (اگر جنگی واقع شد) صلح کنید تا رحمت کرده شوید" [سورة الحجرات: ۹-۱۰].

اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم کرد، با آن گروهی که ستم می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و چون بازگشت، میانشان به عدالت صلح برقرار کنید و دادگری نمایید، که همانا خداوند دادگران را دوست دارد، یقینا مومنان برادر یکدیگر اند، پس در میان دو برادر تان (اگر جنگی واقع شد) صلح کنید تا رحمت کرده شوید" [سورة الحجرات: ۹-۱۰].

توضیح بیشتر آیات فوق را می توان در روایتی که ابو موسی (رضی الله عنه) از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نقل می کند که ایشان فرمودند: (إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا وَشَبَّكَ

أَصَابِعُهُ" "مسلمان برای مسلمان مانند، دیواری هست که برخی آن برخی دیگری را تقویت و استوار می نماید" و پیامبر صلی الله علیه وسلم (بگونه مثال) انگشت های دو دستش را محکم در هم کشید، تا چگونگی استحکام و همکاری آنان را نشان دهد" (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق، ج ۳۲، ص ۳۹۹، ش، ح: ۱۹۶۲۴، بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۱۰۳، ش، ح: ۴۸۱).

۳.۲. نهی از تفرقه و اختلاف

همانگونه که آیات و احادیث زیادی در امر به وحدت و همبستگی وارد شده که خود متضمن نهی از اختلاف و افتراق به احزاب و گروه های مختلف و متخاصم در میان امت اسلامی است، آیات و احادیث فراوان دیگری به طور خصوص در باب نهی از اختلاف و تفرقه وارد شده، این امر را گناه، معصیت و مشابهت به مشرکان عنوان نموده، مسلمانان را از آن برحذر میدارد، چنانچه خداوند (جل جلاله) می فرماید: [مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ] "به سوي خدا برگردید و از او بترسید و نماز را برپا دارید و از زمره مشرکان نباشید، از کسانی که دینشان را بخش بخش کرده و به دسته ها و گروه های گوناگونی تقسیم شدند. هر حزب (گروه) به آنچه که نزد خود دارند خرسندند" [سورة الروم: ۳۱-۳۲].

و همچنان می فرماید: [وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ] "و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از اینکه نشانه های روشن پیش آنها آمد، و برای ایشان عذابی بزرگ است" [سورة آل عمران: ۱۰۵].

و همچنان می فرماید: [إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ] بی گمان کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و دسته دسته شدند، تو به هیچ وجه از آنان نیستی، و به راستی که کار آنها با خداست، سپس (خداوند) آنان را به آنچه می کردند آگاه می سازد".

و همچنان می فرماید: [وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ]. [هود: ۱۱۸] "ولی همواره اختلاف دارند. مگر کسی که خداوند به او رحم کرده باشد". [سورة الأنعام: ۱۵۹]

و همچنان می فرماید: [وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ] "و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، و با همدیگر اختلاف نورزید، که در آن صورت در

مانده و ناتوان می‌شوید، و شکوه و هیبت شما از میان می‌رود. و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است" [سوره الأنفال: ۴۶].

آیات فوق هر گونه اختلاف و تفرقه را به شدت نکوهش نموده مسلمانان را از آن بر حذر میدارد که ایجاد و تشکیل احزاب متعدد از این قاعده مستثنی نیست.

و همچنان احادیث زیادی هم از پیامبر (صلی الله علیه و سلم) در این زمینه وارد شده است، در حقیقت آنچه را که قرآن گفته توضیح بیشتر داده برآن تاکید می‌نماید که نمونه‌ی آن را این جا ذکر می‌نماییم:

الف- از معاویه رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) میان ما ایستاد و فرمود: (أَلَا إِنَّ مَنْ قَبْلَكُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ افْتَرَقُوا عَلَى ثَتْنَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً وَإِنَّ هَذِهِ الْمِلَّةَ سَفَتَرَتْ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ ثَتْنَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ وَوَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الْجَمَاعَةُ) "آگاه باشید که قبل از شما اهل کتاب به هفتاد و دو گروه تقسیم شدند و این امت نیز به هفتاد و سه گروه تقسیم می‌شود. هفتاد و دو گروه از آن‌ها در آتش هستند و یک گروه در بهشت است و آن جماعت می‌باشد".

ب - از حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ - رضی الله عنه - رویت است که فرمود: (كَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و سلم) عَنِ الْخَيْرِ وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ مَخَافَةً أَنْ يُدْرِكَنِي، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا كُنَّا فِي جَاهِلِيَّةٍ وَشَرٌّ فَجَاءَنَا اللَّهُ بِهَذَا الْخَيْرِ، فَهَلْ بَعْدَ هَذَا الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ؟ قَالَ: "نَعَمْ". قُلْتُ: وَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الشَّرِّ مِنْ خَيْرٍ؟ قَالَ: "نَعَمْ وَفِيهِ دَخْنٌ". قُلْتُ؟ وَمَا دَخْنُهُ؟ قَالَ: "قَوْمٌ يَهْدُونَ بِغَيْرِ هُدًى، تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتَتَكَبَّرُ". قُلْتُ: فَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ؟ قَالَ: "نَعَمْ دُعَاءٌ إِلَى أَبْوَابِ جَهَنَّمَ مِنْ أَجَابِهِمْ إِلَيْهَا قَدْفَوْهُ فِيهَا". قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صِفْهُمْ لَنَا، فَقَالَ: "هُمْ مِنْ جِلْدَتِنَا، وَيَتَكَلَّمُونَ بَالْسِنَتِنَا". قُلْتُ: فَمَا تَأْمُرُنِي إِنْ أَدْرَكَنِي ذَلِكَ؟ قَالَ: "تَلَزِمُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ". قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ جَمَاعَةٌ وَلَا إِمَامٌ؟ قَالَ: "فَاعْتَزِلْ تِلْكَ الْفِرْقَ كُلَّهَا، وَلَوْ أَنْ تَعْصُ بِأَصْلِ شَجَرَةٍ، حَتَّى يُدْرِكَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ" "مردم از رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) درباره امور خیر می‌پرسیدند، من از بدی‌ها می‌پرسیدم که مبدا گرفتار آن‌ها شوم. بدین جهت گفتم: ای رسول خدا ما در جاهلیت و بدی به سر می‌بردیم. پس خداوند این خیر (اسلام) را به ما عطا کرد. آیا بعد از این خیر، شری هم وجود دارد؟ فرمود: بلی، اما در آن، فساد خواهد بود. پرسیدم: فساد آن چیست؟ فرمود: گروهی، راهی غیر از راه من در پیش می‌گیرند؛ و در کارهایشان، امور خوب و بد می‌بینی". گفتم: آیا بعد از آن خیر، شری خواهد آمد؟ فرمود: "بلی، داعیانی مردم را به سوی دروازه‌های جهنم، فرا می‌خوانند. کسی که آنان

را اجابت کند، او را در آتش می اندازند." گفتم: ای رسول خدا! آنان را برای ما توصیف کن. فرمود: "آنان از ما هستند و به زبان ما سخن می گویند." گفتم: اگر آن زمان را دریافتیم، دستور شما چیست؟ فرمود: "با مسلمانان و امیر آنها باش." پرسیدم: اگر مسلمانان، جماعت و رهبری نداشتند، چه کار کنم؟ فرمود: "در آن صورت، از همه آن گروهها، دوری کن. اگر چه خود را ملزم بدانی که زیر یک درخت بمانی و در همان حال، مرگ به سراغت بیاید." (البخاری، ج ۴، ص ۱۹۹، ش، ح: ۳۶۰۶ و نیسابوری، ج ۳، ص ۱۴۷۵، ش، ح: ۱۸۴۷).

ابن بطل رحمہ اللہ در شرح این حدیث می گوید: "وفیه حجة لجماعة الفقهاء فی وجوب لزوم جماعة المسلمين وترك القيام على أئمة الجور، ألا ترى أنه (صلی اللہ علیہ وسلم) وصف أئمة زمان الشر فقال: دعاة على أبواب جهنم من أجا بهم إليها قذفوه فيها، فوصفهم بالجور والباطل والخلاف لستہ؛ لأنهم لا

يكونون دعاة على أبواب جهنم إلا وهم على ضلال، ولم يقل فيهم تعرف منهم وتنكر، كما قال في الأولين، وأمر مع ذلك بلزوم جماعة المسلمين وإمامهم، ولم يأمر بتفريق كلمتهم وشق عصاهم. در این حدیث دلیل است برای گروهی از فقهاء بر وجوب التزام گروه مسلمانان و ترک قیام بر علیہ فرمان روایان ظالم، آیا نمی بینی آنحضرت فرمان روایان زمان شر را به دعوتگران بر دروازه های جهنم توصیف نموده می گوید: "کسی که دعوت ایشان را بپذیرد او را در جهنم می اندازند" و آنها را به ظلم و باطل و خلاف سنت توصیف نموده، با وجود این به لزوم جماعت مسلمانان و فرمانروای ایشان امر نموده و از تفريق کلمه و شکستن صف آنها پرهیز نمایند" (ابن بطل، ۱۴۲۳ق، ج، ۱۰، ص ۳۳) و (عینی، ج ۲۴، ص ۱۹۵، بی، تا).

امام ابن حجر می گوید: مراد از محکم گرفتن به دندان، کنایه از اطاعت فرمان روایان شان است اگرچه مرتکب گناه هم شوند. (عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۶).

وعن ابن عمر قال: (خطبنا عمر بالجابية فقال: اني قمت فيكم كمقام رسول الله فينا فقال اوصيكم بأصحابي ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم ثم يفسحوا الكذب حتي يحلف الرجل ولايُستحلف ويشهد الرجل ولايُستشهد فمن اراد منكم بحبوة الجنة فيلزم الجماعة فان الشيطان مع الواحد وهو من الاثنين ابعد ألا لا يخلون رجل بامرأة الا كان ثالثهما الشيطان قالها ثلثاً وعليكم بالجماعة فان الشيطان مع الواحد وهو من الاثنين ابعد ألا ومن سرته حسنة وساءته سيئة فهو مؤمن) از ابن عمر

(رضی الله عنه) روایت است که فرمود: عمر - رضی الله عنه - در منطقه جاییه برای ما سخنرانی نموده فرمود: من در میان شما بلند شده‌ام همانگونه که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) در میان ما بلند شد و فرمود: من شما را در مورد یارانم توصیه می‌کنم (که قدر و جایگاه دینی و علمی شان را بدانید) سپس کسانی که بعد از ایشان می‌ایند (تابعین) و بعد کسانی که از آنها می‌باشند (تبع تابعین) بعد از آن دروغ (در میان مردم) فاش می‌شود حتی این که مرد قسم می‌خورد در حالی که قسم داده نمی‌شود و گواهی می‌دهد در حالی که از وی گواهی خواسته نشده است. پس کسی که وسط بهشت را می‌خواهد باید بودن با جماعت مسلمانان را بر خود لازم بگرداند زیرا شیطان با فرد بوده از دو نفر دور تر است" (ترمذی، ۱۹۹۸م، ج ۴، ص ۴۶۵، ش، ح: ۲۱۶۵).

در واقع اختلاف و تفرقه در میان امت اسلامی عقوبتی است که دامنگیر این امت گردیده‌است همانگونه اتحاد و اتفاق و حدت و برادری از بزرگترین نعمت‌های الهی به حساب می‌آید. (سقاف و مجموعة من الباحثین، ج ۶، ص ۱۶۹، بی، تا).

۳.۳. وجوب اطاعت از امیر مسلمانان و لزوم جماعت مسلمین:

از سوی دیگر آیات و احادیثی که بر لزوم جماعت مسلمانان و اطاعت از امیر مومنان امر می‌کند دلالت بر این دارد که هر امری که باعث ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه‌ی اسلامی گردد شرعا، ممنوع می‌باشد (رشید رضا، ص ۲۸). خداوند (جل جلاله) می‌فرماید: **وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَعَشَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ** "خداوند و پیامبرش را اطاعت کنید و اختلاف نکنید که ناکام می‌شوید و قوت شما از بین می‌رود و صبر پیشه کنید، یقیناً الله با صبر کنندگان است" [سورة الأنفال: ۴۶].

و همچنان می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا** "ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و اولیای امور تان را، اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به سوی الله و پیامبر برگردانید اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید آن بهتر است و عاقبت نیک خواهد داشت" (سورة النساء: ۵۹). همچنان در این رابطه حدیث گهرباری است: از عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ (رضی الله عنه) روایت است که فرمود: **(دَعَانَا النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَبَايَعَنَا، فَقَالَ فِيمَا أَخَذَ عَلَيْنَا: "أَنْ بَايَعَنَا عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، فِي مَشْطِنَا وَمَكْرَهِنَا، وَعُسْرِنَا وَيُسْرِنَا، وَأَثَرَةٍ عَلَيْنَا، وَأَنْ لَا نَتَنَازَعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ، إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا، عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ).** نبی

اکرم (صلی الله علیه وسلم) ما را طلب کرد و ما با ایشان بیعت کردیم. از جمله اموری که در مورد آنها از ما بیعت گرفت این بود که فرمود: در حالت خوشحالی و نگرانی، سختی و آسانی و ترجیح دیگران بر ما، از ایشان (رسول خدا صلی الله علیه وسلم) اطاعت کنیم. همچنین نباید با والیان و حکام، بخاطر حکومت، درگیر شویم مگر زمانی که کفر آشکاری دیدید و برای آن از جانب خدا، دلیل و برهانی داشتید (در این صورت می توانید مخالفت کنید) (بخاری، ج ۹، ص ۴۷، ش: ۷۰۵۶). و نيسابوری، ج ۳، ص ۱۴۷۰، ش: ۱۷۰۹).

همچنان از ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: (مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يُفَارِقُ الْجَمَاعَةَ شِرًّا فَيَمُوتُ إِلَّا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً) "هرکس معصیتی را از حاکم اسلامی مشاهده کرد پس آن را ناپسند بداند، بر آن صبر نماید؛ زیرا هیچ احدی به اندازه یك و جب از جماعت مسلمانان جدا نمی گردد جز اینکه اگر بمیرد بر مرگ جاهلیت مرده است." (بخاری، ج ۹، ص ۹۲، ش: ۷۱۴۳). این آیات متبرکه و احادیث گهربار نشان می دهد که یگانه راه حفظ وحدت و اخوت مسلمانان وجود امیر و اطاعت و فرمان برداری از وی است، خصوصا در زمان بروز اختلاف و تفرقه در صف مسلمانان چنانچه در حدیث عَرَبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ (رضی الله عنه) بدان اشاره شده است که فرمود: وَعَظَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَوْعِظَةً وَجَلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ، وَدَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَأَنَّا مَوْعِظَةٌ مُودِعٌ فَأَوْصِنَا. قَالَ: (أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ، فَإِنَّهُ مِنْ يَعْشُ مِنْكُمْ فَسِيرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا. فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّينَ تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ فِي النَّارِ) "پیامبر (صلی الله علیه و سلم) ما را پند داد، پند مؤثری که از آن دل ها به لرزه افتاد، و چشم ها از آن اشک ریخت. پس گفتیم: یا رسول الله! گویا این که موعظه خداحافظی است. پس ما را وصیت کن. فرمود: شما را به ترس از خدای عز وجل و شنیدن و اطاعت از امیر توصیه می کنم اگرچه برده ای حبشی بر شما امیر مقرر شود، زیرا هرکس از شما بعد از من بماند اختلاف بسیاری (در میان امت) خواهد دید، پس به سنت من و روش خلفاء راشدین که هدایت یافته گان اند چنگ بزنید، آنها را) سنت من و سنت خلفای راشدین) به دندان محکم بگیرید، و از بدعت ها (راه های تازه در دین)، بپرهیزید؛ زیرا هر راه تازه ای بدعتی است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی عاقبتش آتش است."

۳.۴. عدم وجود پدیده‌ی تعدد احزاب در صدر اسلام

با مطالعه دقیق تاریخ صدر اسلام واضح می‌گردد که پدیده تعدد احزاب سیاسی با مفهوم امروزه نه در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم و نه در عصر خلفای راشدین - که مسلمانان مامور به پیروی از روش و منهج ایشان استند - وجود نداشته است. ساختار سیاسی و اجتماعی مسلمانان در آن زمان بر اصل وحدت امت، تمرکز حاکمیت و اطاعت از رهبری دولت اسلامی استوار بود، نه بر تعدد احزاب و چند پارچگی سیاسی. الله متعال صحابه کرام را من حیث الگوی ایمان و عمل در همه عرصه‌های زندگی معرفی نموده می‌فرماید: { فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا } [سوره بقره: ۱۳۷] پس اگر آنان نیز به مانند آنچه شما (صحابه) ایمان آورده‌اید ایمان آورند، بی‌تردید هدایت یافته‌اند. و همچنان پیامبر (صلی الله علیه و سلم) می‌فرماید: (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي) "بر شما باد پیروی از سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته پس از من". بنا بر این، پدیده‌ی تعدد احزاب در ساختار نظام سیاسی اسلام در آن دوره که الگو و نمونه برای ما است وجود نداشته، در این زمان هم مجاز نیست.

۳.۵. اقوال علما در این مورد:

علمای شریعت و فقه‌های چیره دست امت اسلامی نیز بر لزوم جماعت مسلمین و حفظ وحدت صف و همبستگی مسلمانان تاکید داشته آن را یکی از وجیه‌های دینی تلقی نموده اند که اقوال برخی از ایشان را من حیث نمونه ذیلا ذکر می‌نمایم:

الف - امام احمد بن حنبل رح می‌گوید: (وَمَنْ خَرَجَ عَلَى إِمَامٍ مِنْ أُمَّةٍ الْمُسْلِمِينَ وَقَدْ كَانُوا اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ وَأَقْرَأُوا بِالْخِلَافَةِ بَأَيِّ وَجْهٍ كَانَ بِالرِّضَا أَوْ الْغَلْبَةِ فَقَدْ شَقَّ هَذَا الْخَارِجَ عَصَا الْمُسْلِمِينَ وَخَالَفَ الْآثَارَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فَإِنْ مَاتَ الْخَارِجُ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةُ جَاهِلِيَّةٍ). کسی که بر علیه امامی از ائمه مسلمانان که بر او جمع شدند و به امامت او اعتراف کردند به هر طریقی که باشد، با رضا و یا غلبه، قیام کند، این خارج شونده صف مسلمانان را شکسته و با آثار پیامبر (صلی الله علیه و سلم) مخالفت ورزیده اگر بغاوتگر در حال بغاوت بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است. (ابن حنبل، ۱۴۱۱هـ، ص: ۴۶).

ب - امام جمال الدین الحنفی رح می‌گوید: "طَاعَةُ الْأَئِمَّةِ وَاجِبَةٌ وَهِيَ فَرَضٌ عَيْنٌ مِنْ فُرُوضِ الشَّرْعِ لِأَنَّ الْإِمَامَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُطَاعًا يُؤَدِّي ذَلِكَ إِلَى إِخْلَالِ نِظَامِ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا مِنَ الْفُسَادِ مَا لَا يُحْصَى وَكَذَا طَاعَةُ السُّلَاطِينِ وَالْأُمَرَاءِ وَالْوَلَاةِ وَاجِبَةٌ لِقَوْلِهِ تَعَالَى { أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ } إِلَّا

فِيمَا يَأْمُرُونَ مِنَ الْمَعَاصِي فَيَحْتَفِظُونَ إِلَّا تُؤْمَرُوا إِلَىٰ عَمَلٍ غَيْرٍ أُولَٰئِكَ يُحْفَظُونَ (خليفة يا امير) واجب است و آن فرض عین از فرائض شریعت می باشد. چون عدم اطاعت از حاکم مسلمان منجر به خلل در نظم (امور) دین و دنیا و فسادی بیشمار خواهد شد. همچنان اطاعت از سلاطین و امرا و والیان بدلیل این فرمان الله متعال: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) واجب است، مگر در حالتی که به معصیت امر کنند که در این صورت به کسی که فرمان نبرد گناهی نیست". (حنفی، ۱۴۱۹ - ۱۹۹۸، ص: ۱۹۶).

ج- امام طحاوی - رح می گوید: "ولا نرى الخروج على أئمتنا و ولاية أمورنا، وإن جاروا، ولا ندعو عليهم، ولا ننزع يدا من طاعتهم، ونرى طاعتهم من طاعة الله عز وجل فريضة، ما لم يأمروا بمعصية، وندعو لهم بالصلاح والمعافة، خروج بر علیه حکام و اولیای امور مان را جایز نمی دانیم، گرچه ظلم کنند؛ و بر علیه آنها دعا نمی کنیم و از فرمان و اطاعت شان دست نمی کشیم و اطاعت از ایشان را فرض و اطاعت از الله عز و جل می دانیم تا وقتی که به گناه امر نکنند و برای صلاح و عافیت آنها دعا می کنیم" (طحاوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰، و عودة، ۱۴۳۵هـ، ج ۱، ص ۱۱۴).

شکی نیست که تشکیل احزاب سیاسی در تقابل با دولت اسلامی با برنامه های خاص، اخذ بیعت از منسوبین حزب و طمع رسیدن به سلطه و قدرت، یکی از عوامل نا فرمانی و عصیان در مقابل اولیای امور است که نتیجه آن دشمنی، کینه، عداوت، جدایی و جنگ و خونریزی می باشد. (سحیمی، ص ۴۰۷، بی، ت). البته این اطاعت و فرمانبرداری از اولیای امور در صورتی لازم است، که اوامر حاکم در مخالفت به اوامر خدا و پیامبرش نباشد، در مواردی که شرعا گناه و معصیت پنداشته شود اطاعت از فرامین امیر جواز ندارد چنانچه رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: (لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق) هیچ فرمان بری از مخلوق در نافرمانی خالق روا نیست " (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۹۹).

۳.۶. وضعیت مشهود و ناهنجار امت اسلامی:

علاوه بر آنچه گذشت و ضعیف المناک امت اسلامی که بعد از شهادت خلیفه راشد عثمان بن عفان (رضی الله عنه) توسط عده ای از خوارج و توطئه گران (سامرائی، ۱۴۲۱ق، ص ۷۴) دچار آن شد و امت متحد، یکپارچه و مقتدر به گروه های متعدد و احزاب گوناگون تقسیم گردید و جنگ- های فراوانی در میان مسلمانان به وقوع پیوست و تا امروز ادامه دارد، بهترین دلیل به بطلان تعدد احزاب در وجود دولت اسلامی مشروع است. زنده ترین مثال برای خطرات ناشی از تعدد احزاب

سیاسی در جامعه اسلامی، وضعیت افغانستان بعد از خروج قشون سرخ و پیروزی مردم دلیر و قهرمان میهن است. همه می دانیم که در اثر منازعه و جنگهای ذات البینی تنظیم ها و احزاب سیاسی جهادی بر سر قدرت و وصول به ارگ، فداکاری و قربانی های مردم متدین افغانستان که همه هست- و بود خود را در جهاد برحق علیه قشون سرخ از دست داده، از جان و مال خود در این راه گذشتند و درد و رنج فراوان را متحمل شدند تا بالاخره به پیروزی رسیدند به باد فنا رفت و آرمان و آرزوهای مسلمانان جهان، بویژه مردم مسلمان افغانستان که همانا تشکیل یک حکومت اسلامی ایده آل بر مبنای آموزه های دینی و تامین عدالت اجتماعی بود، به یاس و ناامیدی تبدیل شد و خسارات مالی و جانی که مردم در اثر این جنگ های خانمان سوز متحمل شدند از جنگ در مقابل روس ها و نظام کمونیستی وقت تجاوز نموده و بیشتر بود؛ و این به ذات خود بزرگترین گناه بر بطلان تشکیل احزاب سیاسی در جامعه اسلامی است.

بر عکس حرکت امارت اسلامی که متحدانه تحت قیادت واحد و پرچم واحد فعالیت داشتند، بعد از خروج آمریکا و ناتو از افغانستان و سقوط نظام جمهوریت توانستند امنیت را در سراسر کشور برقرار، از جان و مال مردم حفاظت، و از یک فاجعه بزرگ دیگر (جنگ های ذات البینی) در کشور به خوبی جلوگیری نمایند. بنا بر دلایل ذکر شده، هر نوع ساختار سیاسی و تشکیلاتی که باعث ایجاد اختلاف، تفرقه، چند پارچگی، تضعیف قوت مسلمانان شده، زمینه نفوذ و تسلط دشمن را در جامعه اسلامی مهیا سازد، شرعا جواز ندارد. چنانچه امام طحاوی (رحمه الله) می فرماید: "وَتَرَى الْجَمَاعَةَ حَقًّا وَصَوَابًا، وَالْفُرْقَةَ زَيًّا وَعَذَابًا، جَمَاعَت (اجتماع زیر یک پرچم) را حق و درست می دانیم و تفرقه (حزب گرایی و اختلاف) را گمراهی و عذاب" (طحاوی، ۱۴۱۴ هـ، ص: ۸۵). زیرا ساختار نظام سیاسی اسلام بر اصل وحدت، اخوت و همبستگی استوار بوده چند پارچگی و تعدد احزاب و تقابل سیاسی را نمی پذیرد.

بدیهی است، که نجات امت از این حالت سردرگمی جز به وحدت و همبستگی و تجمع در زیر یک پرچم بر محوریت قرآن و سنت ممکن نیست و نخواهد بود.

۴. مناقشه

بعد از عرض دلائل طرفین به نظر میرسد هیچ یک از دلائل موافقان تعدد احزاب بر مشروعیت کثرت گرای حزبی در وجود دولت اسلامی مشروع دلالت صریح و یا التزامی نداشته استدلال های مذکور قابل مناقشه است.

الف: استناد به شعیره امر بالمعروف و نهی عن المنکر برای اثبات مشروعیت احزاب سیاسی درست به نظر نمیرسد؛ چون که ادله امر بالمعروف و نهی عن المنکر بر اصل این فریضه دلالت دارد، نه بر لزوم ایجاد حزب سیاسی برای انجام آن. این وظیفه در اصل بر عهده دولت اسلامی، همه مسلمانان، به ویژه اهل علم بوده و می‌تواند از طریق نهادهای مختلف و بدون تشکیل احزاب نیز انجام شود. بناء، میان وجوب این فریضه و مشروعیت تعدد احزاب ملازمه‌ای وجود ندارد.

ب: استدلال به ضرورت نظارت بر دولت: استناد به قاعده فقهی «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب» زمانی قابل قبول است که ثابت گردد انجام واجب منحصر در آن وسیله بوده راه دیگری وجود ندارد. در حالی که راه‌های متعددی در شریعت اسلامی برای نظارت بر حاکم و نصیحت او وجود دارد؛ مانند نصیحت، شورا، قضا، امر به معروف و غیره. بنابراین، تشکیل احزاب تنها راه تحقق این وظیفه نیست تا مشمول این قاعده قرار گیرد.

ج: قیاس احزاب بر مذاهب فقهی: قیاس احزاب بر مذاهب فقهی در حقیقت قیاس مع الفارق است؛ زیرا اختلاف مذاهب، اختلاف علمی و اجتهادی در استنباط احکام شرعی است، نه رقابت برای کسب قدرت سیاسی. افزون بر آن، ائمه مذاهب هرگز مردم را به تشکیل احزاب سیاسی و رقابت سازمان‌یافته بر سر حکومت دعوت نکردند. از این رو استدلال احزاب بر مذاهب فقهی غیر مؤوجه به نظر می‌رسد.

د: مشروعیت مشروط احزاب: گرچه طرفداران تعدد احزاب، مشروعیت آن را به رعایت شریعت، حفظ وحدت امت و پرهیز از تعصب مشروط می‌دانند، اما واقعیت تاریخی و تجربه عملی نشان داده است که تحزب غالباً به رقابت، تعصب، تفرقه و تقدم مصالح حزبی بر مصالح امت می‌انجامد، اموری که قرآن و سنت از آنها نهی کرده‌اند؛ بناء، وضع این شروط در تضاد با واقعیت عینی جوامع اسلامی است که استدلال به آن خیلی ضعیف به نظر می‌رسد.

در نتیجه، دلائل موافقان تعدد احزاب بیش‌تر بر مشروعیت همکاری، شورا، امر به معروف، نصیحت حاکمان و تنوع اجتهادها دلالت دارد، نه مشروعیت تعدد احزاب سیاسی. در حالی که دلائل مخالفان تعدد احزاب بر منع تفرقه، حفظ وحدت، اجتماع بر امام واحد، وجوب اطاعت و عدم خروج از صف مسلمانان دلالت صریح و واضح دارد. از اینرو، اصل در نظام سیاسی اسلام، حفظ وحدت امت و اجتماع بر امام واحد است و تأسیس احزاب متعدد، از این که موجب تفرقه و تعصب می‌گردد، با مقاصد شریعت و نصوص دعوت‌کننده به وحدت سازگار نیست. (حلیمه،

عبدالمعنع، (بی، تا) حکم الاسلام فی الديمقراطية والتعددية الحزبية، ص: ۷۲). بنا بر آنچه گذشت قول بر عدم جواز تعدد احزاب در قلمرو دولت اسلامی از حیث دلیل و مستند قوی تر به نظر می-رسد.

۵. نتیجه گیری

بررسی آیات متبرکه نشان می دهد که واژه حزب و احزاب به اشکال مختلف و مدلولات متفاوت، هژده بار در قرآن کریم به کار برده شده است. از این میان، ده بار به صیغه ی جمع در مقام مذمت گروه گرایی و تفرقه می باشد. از مفهوم کلی این موارد چنین برمی آید که قرآن کریم هرگونه گروه گرایی مبتنی بر تفرقه و اختلاف را که باعث از بین رفتن وحدت امت شود مورد نکوهش قرار داده است. همچنان بعد از بررسی نظریات و آرای علمای معاصر و عرض دلائل آنها، به نظر میرسد دلائل مخالفان تعدد احزاب افزون بر آن آیات متبرکه و احادیث گهر بار پیامبر (صلی الله علیه و سلم) با مدلول وجوب حفظ وحدت و همبستگی، نهی از اختلاف و تفرقه و تحزب، الزامیت اطاعت و فرمانبرداری از امیر مسلمانان، عدم خروج از صف واحد مومنان و لزوم جماعت مسلمانان وارد شده، قوی تر و صریح تر است که نشان میدهد ایجاد و تشکیل احزاب سیاسی که دارای اهداف، برنامه ها و مبادی خاص، باتشکیلات منظم (جدا از تشکیلات حکومت) و در مخالفت با حکومت اسلامی مشروع - چه به سطح جهان و یا هم در محدوده کشورهای اسلامی با جغرافیه های معروف امروزه - برای رسیدن به قدرت سیاسی مبارزه نموده، وحدت و همبستگی مسلمانان را از بین برده، صف واحد آنها را از هم پاشیده و منجر به اختلاف و چند پارچگی و تحزب و فرقه گرایی در میان مسلمانان شود، با اصول و اهداف نظام سیاسی اسلام سازگار نیست.

همچنان اقوال علمای سلف و استنباطات ایشان از نصوص یاد شده بیانگر عدم جواز فرقه گرایی و خروج از صف واحد مسلمانان است. زیرا وحدت امت و جلوگیری از عوامل چندپارچگی، یکی از مقاصد اصلی در نظام سیاسی اسلام شمرده شده است تا قدرت و توانای مسلمانان در مقابل دشمنان اسلام تضمین گردد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم؛

الف: کتب

ابن حنبل، أحمد. (۱۴۲۱ هـ) المسند، مؤسسة الرسالة؛

ابن بطلال، علي. (۱۴۲۳ هـ). شرح صحيح البخاري. سعودی: رياض: مكتبة الرشد؛

ابن أبي العز، محمد. (۱۴۱۷ هـ). شرح العقيدة الطحاوية. بيروت: مؤسسة الرسالة؛

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب. بيروت: دار صادر؛

أبياري، إبراهيم. (۱۴۰۵ هـ). الموسوعة القرآنية: مؤسسة سجل العرب؛

بخاري، محمد. (۱۴۲۲ هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله (صلى الله عليه

وسلم وسننه وأيامه. دار طوق النجاة؛

بكر، عبدالله. (۲۰۰۶ م). حكم الانتماء الى الفرق و الاحزاب و الجماعات الاسلاميه: دار الحرمين

للطباعة؛

ترمذي، محمد. (۱۹۹۸ م). سنن الترمذي. بيروت: دار الغرب الإسلامي؛

جعبه، عبدالحميد. (بی تا). الاحزاب فی الاسلام؛

حليمه، عبدالمنعم. (بی تا). ص: ۶۵). حكم الاسلام فی الديمقراطية و التعددية الحزبية؛

حنفي، جمال الدين. (۱۴۱۹). كتاب اصول الدين. بيروت: دار البشائر الإسلامية؛

رشيد رضا، محمد. (بی تا). الخلافة. القاهرة: الزهراء للاعلام العربي؛

سامرائی، نعمان. (۱۴۲۱ هـ). النظام السياسي فی الاسلام. بی. جا.؛

سحيمي، صالح و ديگران. (بی تا). اصول عقايد اهل سنت در پرتو كتاب و سنت ب، جا؛

سجستاني، سليمان. (بی تا). سنن ابی داود. بيروت - صيدا- المكتبة العصرية.

سقاف، علوي و مجموعة من الباحثين. (۱۴۳۳ هـ). موسوعة الفرق المنتسبة للإسلام: موقع الدرر

السنية على الإنترنت dorar.net.

صاوى، صلاح. (بی تا). مدى شرعية الانتماء الى الاحزاب و الجماعات؛

عسقلانی، أحمد. (۱۳۷۹). فتح الباري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار المعرفة.؛

عینی، بدر الدين. (ب تا). عمدة القاري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار إحياء التراث العربي؛

- عواجی، غالب. (۱۴۲۲ هـ). فرق معاصرة تنتسب إلى الإسلام وبيان موقف الإسلام منها. جدة: المكتبة العصرية الذهبية للطباعة و النشر و التسويق؛
- فیروزآبادی، محمد. (۱۴۲۶ هـ). القاموس المحيط. بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزيع؛
- قاسمی. محمد (۱۴۱۸ هـ). محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیه؛
- کاسانی، علاء الدین. (۱۴۰۶ هـ). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع: دار الکتب العلمیه؛
- کافی، اسماعیل و عیسی. التعددیه السیاسیه فی الفکر الاسلامی؛
- کرمی، احمد. (۱۴۲۷ هـ). الادارة فی عصر الرسول (صلی الله علیه وسلم) القاهرة: دارالسلام؛
- کلبی، یوسف. (۲۰۱۱ م). حکم اقامه الأحزاب فی الاسلام؛
- لاوی، احمد، (بی، تا). التعددیه الحزبیه فی الدولة الاسلامیه؛
- ماوردي، علي. (ب.ت) الأحكام السلطانية، القاهرة: دار الحديث؛
- مبارکپوری، صفی الرحمن. (۱۴۳۳ هـ) الأحزاب السیاسیه فی الاسلام: دار المؤمنین للنشر و التوزيع؛
- نیسابوری، مسلم. (۱۹۹۸ م) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، بیروت: دار إحياء التراث العربي؛
- ب: مقالات
- امین، شفیق الله. (۱۳۹۰ هـ ش). سال ۱، ش ۱)؛
- جمعان، صباح. نظرة فقهیه فی التعددیه السیاسیه. مجله الجامعه العراقیه، العدد (۴۶ ج ۳)